

نقش خانواده، مدرسه

و دیگر نهادهای اجتماعی

در تعلیم و تربیت

به مناسبت هفته پیوند اولیاء و مربیان

هرگاه صحبت از تعلیم و تربیت می‌شود بیشتر مردم آموزش و پرورش را در نظر می‌آورند و بار سنگین تعلیم و تربیت را به دوش مدرسه می‌گذارند. مردم از مدرسه توقع دارند که فرزندان آنان را به بهترین وجهی تربیت کند و آموزش دهد. آیا این توقع بحقی است؟ و آیا واقعاً مدرسه می‌تواند این بار سنگین را به تنهایی به دوش بکشد؟

برای پاسخ به سؤالات بالا اگر کمی دقت و تأمل کنیم روشن می‌شود که پرورش نیروهای انسانی به چند کانون و مرکز ارتباط پیدا می‌کند که این مراکز مجموعاً شخصیت و منش کودکان و نوجوانان امروز و زنان و مردان فردا را می‌سازد.

اولین کانون آموزشی، خانواده و مؤثرترین فرد آن مادر است. دامن مادر اولین مکتب تربیت فرزند است، زیرا حسن خلق، حوصله، درک و شعور، دقت و هوشیاری، عفاف و تقوا و سرانجام دانش و بینش مادر در شکل‌گیری شخصیت و در ترکیب اساس و نهاد پرورشی کودک آنچنان تأثیری دارد که به هیچ وجه نمی‌توان آن را انکار کرد. از طرف دیگر سلوک پدر و رعایت اصول ادب و نزاکت از طرف سایر افراد خانواده در روح و اخلاق و رفتار کودک بسیار مؤثر است. چه بسا ناسازگاریهای پدر و مادر و رفتارهای ناشایست آنان آثار نامطلوبی



مدرسه می‌گذرانند و بقیه را در خانه و اجتماع به سر می‌برند. بنابراین هنوز قسمت اعظم وقت کودکان در منزل سپری می‌شود. لذا باید خانه و مدرسه با هم ارتباط مستقیم داشته باشند، زیرا اگر والدین و مربیان هماهنگی، همکاری و تماس مستقیم نداشته باشند نمی‌توان به تأثیرات تربیتی این دو گروه بر روی کودک امیدوار بود. کار این دو گروه (اولیاء و مربیان) آنقدر به هم مرتبط است که اگر یکی قصور کند، تلاش دیگری را - هرچند هم که جدی باشد - خنثی می‌سازد. اگر این دو گروه با هم هماهنگی، همفکری و اتفاق نظر نداشته باشند و گفتار یکی ضد سخنان دیگری باشد، موجب سلب اعتماد، ایمان و عقیده از کودک و نوجوان می‌شود و این اختلاف نظرها کودک و نوجوان را به راهی می‌کشاند که مغایر هر دو نظر خواهد بود. کودکانی که تسلیم افراد مُغرض یا دوستان نسیخته خود می‌شوند کسانی هستند که بین والدین و مربیان توافقی و وحدت نظر وجود نداشته است. متأسفانه این قبیل کودکان ممکن است به راههایی بروند که بازگشت از آن غیر ممکن بوده، ثمری جز فنا، تباهی و نیستی ندارد. یکی از دلایل تشکیل انجمن اولیاء و مربیان دفع همین خطر بزرگ است. انجمن اولیا و مربیان می‌کوشد تا با ایجاد پیوند و ارتباط صحیح و سالم، بین خانه و مدرسه هماهنگی و تفاهم ایجاد کند. یکی از وظایف اصلی انجمنهای مدارس این است که اولیاء را با مدرسه مرتبط کنند تا در صحنهٔ تعلیم و تربیت فرزندانشان فعالانه حضور داشته باشند. انجمن اولیاء و مربیان هر مدرسه باید با برنامه‌ریزی صحیح، آموزشهای مناسبی را برای اولیا طرح‌ریزی و اجرا کند تا بدین وسیله سطح دانش

بر کودکان به جای می‌گذارد و عقده‌های پیچیده‌ای به وجود می‌آورد که در نوجوانی و یا جوانی ظهور و بروز می‌کند. روی این اصل وقتی که والدین دارای فرزند می‌شوند باید بدانند که چه مسؤولیت خطیری را عهده‌دار شده‌اند. لذا باید در رفتار، گفتار و حتی نگاههای خود همهٔ جوانب را در نظر بگیرند. والدین باید بدانند که از ابتدای تولد سنگ بنای تربیتی فرزندانشان را می‌نهند و با حرکات و سکنات خود بر بافتهای شخصیت کودک خود قالب می‌زنند و آنها را شکل می‌دهند. کودک قبل از رفتن به مدرسه دورهٔ تقلیدی خود را می‌گذراند و با افراد خانواده به‌خصوص مادر همانندسازی می‌کند. کودک در این دوره از مادر و سایر اطرافیانش تقلید می‌کند و حرکات، گفتار و کلیهٔ اعمال آنان را می‌آموزد و تکرار می‌کند و با در مواقع لزوم عکس‌العمل‌های ایشان را از خود بروز می‌دهد. بنابراین کودک قبل از رفتن به مدرسه از والدین و اطرفیان آموزش می‌بیند و تربیت می‌پذیرد، که این آموزشها و تربیتها در بزرگسالی جزئی از شخصیت او را می‌سازد. بنابراین اولین کانون آموزشی هر کودک خانه و مادر اولین آموزگار وی است.

بعد از خانواده یعنی وقتی که کودک هفت ساله شد به سازمانی به نام مدرسه سپرده می‌شود که آموزش ببیند و تربیت شود. در مدرسه گروهی به عنوان معلم و مربی دست به کار تعلیم و تربیت او می‌شوند. درست است که کودک به مدرسه رفته، مستقیماً تحت تأثیر معلمان و مربیان خود قرار می‌گیرد، ولی هنوز تحت تأثیر و نفوذ خانواده است. براساس محاسبه‌ای که انجام شده است، در مدارس یک نوبته دانش‌آموزان $\frac{1}{8}$ اوقات عمرشان را در



آموزشی به بحث و تبادل نظر بنشینند و بقیه اولیا فارغ از هر تلاش و تماسی به انتظار و امید کارهای آنان باشند. هر پدر و مادری که فرزند خود را به یک واحد آموزشی می‌سپارد خود به خود عضو آن واحد آموزشی شده است و باید خود را موظف به همکاری و همفکری با افرادی که در آموزش و پرورش فرزندش سهمی دارند بدانند، و باور داشته باشد که با سپردن کودک، نوجوان و یا جوان خود به مدرسه کارش تمام نشده است، بلکه این اول کار است؛ زیرا پدران و مادران باید هر شب و هر روز بر کار فرزندان خود نظارت و رسیدگی داشته باشند تا اگر عیب یا نقصی در امر آموزش و یا تربیت فرزند خود دیدند ابتدا به علت آن رسیدگی کنند و سپس با مربیان مدرسه تماس گرفته، عاقلانه و دوستانه مشکلات و نواقص را با آنان در میان بگذارند و با کمک و همفکری و ارائه نظریه‌های مفید و گرفتن راهنمایی‌های سودمند در رفع نواقص آموزشی و تربیتی فرزندان خود بکوشند. نحوه برخورد و طرح

وینش اولیاء را بالا ببرد و آنان را با نکات و ظرایف تعلیم و تربیت فرزندانشان آشنا نموده، موجبات همگامی، همفکری، هماهنگی و سرانجام همکاری مثبت و ارزنده‌ای را بین خانه و مدرسه فراهم سازد. مهمتر از همه اینکه پیوند بین اولیاء و مربیان سبب می‌شود تا والدین با احساس مسئولیت بر کار تعلیم و تربیت فرزندان خود نظارت داشته باشند، چرا که در حال حاضر یکی از مشکلات تربیتی کودکان و نوجوانان این است که آنان خود را فردی رها شده می‌دانند و فهمیده‌اند که والدین بر کارشان نظارت ندارند. این رها شدن و بی تفاوتی‌های پدران و مادران باعث گرفتاریهای بسیار تربیتی و آموزشی در ارتباط با کودکان و نوجوانان است که باید به طور جدی به آن توجه شود.

نکته قابل ذکر این است که هدف از ایجاد انجمنهای اولیا و مربیان در مدارس این نیست که یک عده ۷ تا ۲۰ نفری از اولیا، مدیر، مربی تربیتی و نماینده معلمان ماهی دوبار به دور هم جمع شوند و فقط در باره مسائل کلی مراکز

کارشان از هم جداست، ولی در مورد کودکان، نوجوانان و جوانان هدف و نظر واحدی را دنبال می‌کنند و باید با یکدیگر هماهنگی و همفکری جدی داشته باشند. انجمن اولیاء و مربیان ایجاد و تفهیم این همکاری را یکی از رسالت‌های خود می‌داند و یکی از هدف‌هایی که انجمنها در مدارس دنبال می‌کنند ایجاد پیوند و رابطه مفید و ثمر بخش بین اولیاء و مربیان است. در سایه این پیوند مقدس مسائل و مشکلات دانش‌آموزان را می‌توان به بهترین شیوه حل و رفع کرد تا آنان بتوانند با راحتی خیال و آرامش کامل برای زندگی بهتری در آینده آماده شوند.

بعد از والدین، روش، گفتار و رفتار معلمان دومین‌الگوی نوجوان و جوان است و کلیه حرکات و سکنات معلمان و مربیان اثری عمیق بروح آنان به جای می‌گذارد. مسؤلیت مربیان در پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان بسیار خطیر و وجود معلمان و مربیان دلسوز، آگاه، علاقه‌مند، مسؤل و موفق بزرگترین سرمایه برای سازندگی هر اجتماع است. هر چه معلمان امروز ما داناتر، پاکدامن‌تر و مسؤولتر باشند، آینده کشورمان درخشان‌تر و فرزندان ما انسانهای موفق‌تری خواهند بود. اما باید این مطلب را قبول کنیم که مدرسه کُل مسؤولیت آموزشی و تربیتی را در تمام سطوح بر عهده ندارد و همان‌طور که گفتیم خانه نقش اول و مدرسه نقش دوم را دارد. بنابراین نباید بارسنگین تعلیم و تربیت را فقط به دوش مدرسه بگذاریم، بلکه باید معتقد باشیم که خانواده و دیگر واحدهای اجتماعی در تربیت نسل جدید نقش و مسؤولیت خطیری دارند.

امروزه وسایل ارتباط جمعی از عوامل تردید

نواقص با معلمان و مربیانی که صمیمانه برای پرورش فرزندان شما در تلاش هستند باید عاقلانه و مؤدبانه باشد و با تدبیر کامل انجام شود تا سبب رنجش آنان را فراهم نکند.

به عبارت دیگر انتقادات باید به صورت سازنده و پیشنهادها بی‌غرضانه و با رعایت نزاکت مطرح شود که موجب دلسردی نگردد. بعضی از مردم خیلی ماهرانه و استادانه ضمن حفظ ادب و نزاکت نواقص را در میان می‌گذارند و افراد را آنچنان ترغیب به رفع کاستیها می‌کنند که موجب دلگرمی و تشویق می‌شود. امید است که والدین محترم بتوانند به بهترین وجهی مشکلات عزیزانشان را به مدرسه منتقل کنند تا مربیان با شوق و رغبت نسبت به رفع آنها اهتمام ورزند. مربیان نیز باید اولیا را در ارشاد و راهنمایی فرزندانشان به بهترین وجه یاری نمایند.

به هر حال والدین نمی‌توانند به هیچ عنوان و با طرح هیچ عذری ارتباط خود را با مربیان قطع کنند و آخر سال منتظر گرفتن نتایج مطلوب تحصیل فرزند خود باشند. پدران و مادران باید کلیه تلاشها و کوششهای خود را در تربیت صحیح نوردیدگان و حاصل زندگی‌شان به کاربرند. فرزندان، همان مدیران فردای جامعه هستند که بایستی از دانش و بینش کافی برخوردار شوند، چرا که بزرگترین و پرارزشترین سرمایه‌های اجتماع به شمار می‌آیند. لذا باید براین باور باشیم که هر چه از نظر مادی و معنوی برای پرورش آنان هزینه صرف شود به هدر نرفته است، بلکه اساس جامعه آینده را استوارتر و خزانه معنوی میهن عزیزمان را غنی‌تر ساخته‌ایم.

گروه والدین و مربیان هرچند که به ظاهر

بقیه از صفحه قبل

گر بیاماسد مرا دست و شکم
 عشق آب از من نخواهد گشت کم
 راستی چقدر از اوقات و عمر عزیز فرزندان
 ما در کنار تلویزیون و ویدئوها صرف می‌شود؟
 و این همه برنامه‌های متنوع چه نتایجی به بار
 می‌آورد؟ پاسخ به این سؤالات خود جای بحث
 مفصلی دارد و ما بناچار از آن می‌گذریم، لکن
 این نکته را خاطر نشان می‌کنیم که رفتار و روش
 معلمان و والدین باید با عصر ما تفاوت فاحشی
 داشته باشد. بصیرت، هوشیاری، دقت و کسب
 اطلاعات جدید در زمینه تعلیم و تربیت برای
 هر دو دسته ضروری است تا بتوانند روح
 نوجوان و جوان نوخاسته، نوظلب، نواندیش و
 واقع‌بین را تسکین دهند. نکته دیگر اینکه
 فرصت و حوصله از لوازم ضروری پیشرفت کار
 است. مادر، پدر، معلم، مربی و همه کسانی که
 با کودک، نوجوان و جوان سروکار دارند باید
 فقط به صورت یک راهنمای دلسوز و یک رفیق
 شفیق عمل کنند، نه به صورت حاکم مستبد،
 مقتدر و زورگو. تجربه نشان داده است که روش
 استبداد و زورگویی کودکان را به سمت ترس و
 تسلیم و نوجوانان و جوانان را به عصیان و فرار
 از کانون خانواده و مدرسه سوق می‌دهد.
 امید است از همین ابتدای سال تحصیلی
 بتوانیم محیطی صمیمانه، دوستانه و پرتفاهم در
 خانواده به وجود آوریم و از طرف دیگر با
 ارتباط و پیوند صحیح با محیط آموزشی
 فرزندانمان، موجبات شکوفایی و تعلیم
 و تربیت آینده سازان انقلاب اسلامی کشورمان
 را فراهم کنیم.

ناپذیر آموزش و فراگیری انسانها و بخصوص
 طبقه نوجوان و جوان است. فرزندان ما بسیاری
 از مطالب را با کمال میل و رغبت از تلویزیون
 و فیلمهای سینمایی کسب و آن را به بهترین وجه
 و شیوه عرضه می‌کنند و در این یادگیری
 کوچکترین خستگی و دلنگی از خود نشان
 نمی‌دهند. پس باید اعتراف کنیم که رادیو،
 تلویزیون و ویدئو تأثیرات آموزشی و تربیتی
 معجزه آسایی بر روی همه و بخصوص کودکان،
 نوجوانان و جوانان دارد.

فرزندان ما فرزندان عصر ارتباطات جمعی
 هستند و یا ما که در محدوده گفتار والدین، رفتار
 معلمان، موضوعات کتابها و مطالب سنجیده و
 حساب شده دیگر بزرگ شده‌ایم خیلی فرق
 دارند. فرزندان ما در عصر حاضر به وسیله
 تلویزیون از اخبار و وقایع دور دست جهان
 مطلع می‌شوند و با انواع کارها و هنرها و
 بی‌پردگهاروبرو گردیده، بسیاری از مطالب را
 قبل از آنکه مورد نیازشان باشد فرا می‌گیرند.
 فیلمهای سینمایی و تلویزیونی گوناگون خارجی
 نه تنها فرهنگ اصیل ملی و مذهبی ما را مورد
 هجوم قرار داده، بلکه در صدد متلاشی کردن و
 محو و نابود ساختن فرهنگ همه ملتهاست.
 نوجوانان و جوانان، بر سفره گسترده‌ای
 نشستند که با انواع غذاهای متنوع و باب طبع
 آنان آراسته شده و تمام این مأكولات را بدون
 توجه به آثار و پیآمدهای آن می‌بلعند و هرچه
 می‌خورند حریرتر و گرسنه‌تر می‌شوند و به
 قول مولانا:

گفت من مُستسقیم آیم گُشتد

گرچه می دانم که هم آیم گُشتد

انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران

واحد انتشارات

"نشریه پیوند"

پیوندمان را با "نشریه پیوند" بیشتر کنیم.

پیوند حاصل دیدگاههای تربیتی جمعی از استادان و صاحب نظران تعلیم و تربیت و مربیان مجرب کشور است.

پیوند با بهره گیری از تعالیم عالیه مکتب اسلام، حاوی مهمترین مباحث آموزشی، روشهای تربیتی و یافته های روان شناسی و علوم تربیتی است.

برای این که همراه پیوند تقدیم حضورتان بشود، لطفاً برگ اشتراک زیر را تکمیل کنید و به دفتر نشریه پیوند ارسال فرمایید.

انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران

کفای نشریه آموزش و تربیتی پیوند



تربیت و آموزش

نام و نام خانوادگی: _____
 شغل: _____
 نشانی: استان: _____ شهر: _____ خیابان: _____
 کد پستی: _____ تلفن: _____ نام: _____ امضا: _____

لطفاً مبلغ ۴۰۰۰ ریال برای اشتراک یکساله (۱۲ شماره) به حساب ۸۰۴ بانک صادرات، شعبه ۱۰۴۳ خیابان فلسطین، واریز نموده، رسید آن را همراه با این برگ به نشانی تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، نبش سزاوار، پلاک ۷۴ دفتر نشریه پیوند و یا صندوق پستی ۱۶۳۷-۱۳۱۸۵ ارسال فرمایید.

تلفن دفتر مجله: ۶۴۶۸۷۷۰ - ۶۴۰۷۱۱۶

* در صورت تغییر آدرس سریعاً دفتر مجله را مطلع فرمایید.

